

## ظرفیت فعل و ساخت‌های بنیادین جمله در فارسی امروز پژوهشی بر اساس نظریه دستور وابستگی

مهرداد نغزگوی کهن (دانشگاه بوعلی)

ظرفیت فعل و ساخت‌های بنیادین جمله در فارسی امروز: پژوهشی بر اساس نظریه دستور وابستگی، امید طیب‌زاده، نشر مرکز، تهران ۱۳۸۵، ۲۹۴ صفحه.

فعل از عناصر اساسی ساخت جمله است و به همین دلیل از دوران باستان تاکنون مورد توجه محققان بوده است. این جزء در چارچوب نظریه‌های زبان‌شناسی جدید نیز از جنبه‌های مختلفی چون معنا، نقش، و ساخت صرفی و نحوی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. یکی از نظریه‌های مهم درباره این عنصر، نظریه وابستگی است. نظریه وابستگی نسخه‌های مختلفی دارد، ولی نکته مشترک تمام آنها قلمداد نمودن فعل در مقام مهم‌ترین جزء جمله است. فعل به همراه اجزاء دیگر جمله که به آن وابسته هستند، جمله را می‌سازند. هر فعلی دارای تعداد معینی وابسته نحوی است که بر آنها حاکمیت دارد. وابسته‌های فعلی را در فارسی متمم می‌نامند، ولی در نسخه‌های مختلف نظریه وابستگی از آن با نام‌های Mitspieler، Valent، Aktant، و Ergänzung یاد می‌شود. متمم‌ها تنها با (زیر) طبقه خاصی از افعال به کار می‌روند. تعدادی از آنها اجباری و بعضی نیز اختیاری هستند (یعنی جمله بدون آنها نیز دستوری است). برخلاف متمم‌ها، غیر متمم‌ها یا افزوده‌ها (adjuncts/ Angabe/ non-complements/ Circonstants) با افعال دیگر نیز به کار می‌روند و وابسته زیر طبقه خاصی از افعال نیستند. غیر متمم‌ها در اصطلاح سنتی همان قیده‌های فعل و قیده‌های جمله هستند. مهم‌ترین هدف دستور وابستگی تعیین

متمم‌های اجباری و اختیاری و متمایز ساختن آنها از افزوده‌هاست. تعیین ساخت‌های بنیادین جمله در زبان نیز از دل مشغولی‌های این چارچوب است. از دستاوردهای نظریه وابستگی می‌توان به‌طور عملی در امر آموزش زبان خارجی یا زبان دوم یا فرهنگ‌نگاری استفاده کرد. این چارچوب تنها منحصر به نحو و واژگان زبان است و در حوزه‌های دیگر زبانی چون صرف، واج‌شناسی و جز آن، دستاوردی نداشته‌است. نحو بعضی از زبان‌های اروپایی چون انگلیسی، آلمانی، فرانسوی و جز آن، در چارچوب این نظریه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌است. با مطالعه نحو زبان فارسی بر اساس این نظریه نیز می‌توان چارچوب عملی مناسبی برای تدوین و تألیف کتاب‌های درسی برای آموزش زبان فارسی به خارجی‌ان به دست داد. این کاری است که طیب‌زاده به‌خوبی از عهده آن برآمده‌است.

تاکنون تحقیقات زیادی در مورد فعل فارسی در چارچوب نظریات مختلف انجام شده‌است، ولی کتاب حاضر، از اولین آثاری است که به زبان فارسی، در چارچوب نظریه وابستگی نگاشته شده‌است. با توجه به محتویات این اثر، کتاب ظرفیت فعل را می‌توان یکی از مهم‌ترین و جامع‌ترین تحقیقات در این زمینه دانست. هدف طیب‌زاده در این کتاب، استخراج تمام ساخت‌های بنیادین جمله در زبان فارسی، بر اساس آراء نظری هلییک و شنیکل (Helbig and Schenkel, 1991) و انگیل (Engel 2002: 18, 20) است. به این منظور، انواع متمم‌های فعل با روش‌های عینی شناسایی و استخراج شده‌است. پیکره زبانی مورد استفاده برای استخراج متمم‌های زبان فارسی حدود ۲۰۰۰ فعل از زبان فارسی معیار و نوشتاری امروز بوده‌است. زبان‌گفتاری امروز یا زبان ادبی متقدم ملاک کار قرار نگرفته‌است. برای استخراج ساخت بنیادین جملات فارسی نیز ۲۰۰ جمله به‌طور تصادفی از ۱۰ اثر، نوشته نویسندگان مختلف انتخاب شده و با توجه به چارچوب نظری، ساخت بنیادین آنها به دست داده شده‌است. از این رهگذر ۸ متمم برای فارسی شناسایی شده و ۲۳ ساخت بنیادین جمله برای زبان فارسی به دست داده شده‌است (ص ۱۸).

کتاب ظرفیت فعل در هشت فصل تنظیم شده‌است:

فصل اول به معرفی دستور وابستگی و آراء و اصطلاحات فنی مربوط به این چارچوب نحوی اختصاص دارد. به این منظور، نظرات نویسندگانی چون نیسی پر

(Tesnière)، هلیک و شنگل و اینگِل مورد بررسی قرار گرفته است. مبحث مهم این فصل قائل شدن تمایز میان متمم‌ها و افزوده‌هاست. طیب‌زاده، به زعم خود، به مهم‌ترین این آزمون‌ها اشاره کرده است، اما در حقیقت آزمون‌هایی که وی مطرح می‌کند، آزمون‌هایی هستند که خود وی برای تشخیص متمم‌ها در فارسی از آنها استفاده کرده است و به عنوان مثال هیچ اشاره‌ای به آزمون مهم ضمیرگذاری (Anaphorisierung)، که اینگِل (Engle 1996: 862) برای تعیین و استخراج متمم‌ها از آن استفاده کرده است نمی‌کند. در حقیقت طیب‌زاده از دو محک برای تشخیص متمم‌ها استفاده کرده است:

۱. متمم‌های اجباری را نمی‌توان از جمله حذف کرد؛

۲. گرچه متمم‌های اختیاری قابل حذف هستند، تنها با طبقه خاصی از افعال به کار می‌روند و برخلاف قیدهای فعل، برای یک فعل تکرارپذیر نیستند. دیگر اینکه قید فعل‌ها باید بدون فاصله از فعل بیایند، برخلاف متمم‌های اختیاری که در همه جای جمله می‌توانند به کار روند.

در چارچوب نظری مورد استفاده طیب‌زاده سه سطح تحلیل قابل تشخیص است:

۱. ساخت ظرفیتی فعل؛ ۲. ساخت بنیادین جمله؛ ۳. ساخت‌های مشتق.

منظور از ظرفیت فعلی همان ویژگی‌های واژگانی فعل است؛ یعنی یک فعل معین، چه نوع متمم‌هایی (چه متمم‌های اختیاری و چه اجباری) می‌تواند داشته باشد؛ پس ساخت ظرفیتی انتزاعی است و در واژگان مشخص می‌شود. ساخت بنیادین اندکی عینی‌تر است و به جمله مربوط می‌شود و متمم‌های فعل را در جمله نشان می‌دهد. هر ساخت ظرفیتی در واژگان ممکن است به صورت یک یا چند ساخت بنیادین متجلی شود. با اعمال قواعد نحوی بر ساخت‌های بنیادین، ساخت‌های مشتق به وجود می‌آیند. قواعدی چون قواعد مجهول‌ساز، سببی‌ساز یا مبتدای‌ساز از جمله این قواعد هستند (ر.ک: ص ۱۹-۱۸). ساخت‌های مشتق عینی‌ترین سطح تحلیل در این چارچوب است. با توجه به این توضیحات، ساخت‌های ظرفیتی فعل و ساخت‌های بنیادین جمله را باید جزء مباحث واژگانی - نحوی، و ساخت مشتق را مربوط به حوزه نحو دانست. در این کتاب، ساخت ظرفیتی فعل در درون دو قلاب < > نمایش داده شده است. در درون این دو قلاب متمم‌های اختیاری بین کمانک قرار می‌گیرند، مثلاً فعل «ازدواج کردن» دارای ساخت ظرفیتی زیر است:

ازدواج کردن < فاعل + (مفعول حرف اضافه‌ای بایی) >

ساخت بنیادین جملات نیز در درون دو جفت خط عمودی || نمایش داده شده است.

فصل دوم مربوط به پیشینه تحقیق دستور وابستگی در زبان فارسی است. کتاب‌ها و رسالاتی که قبلاً به بررسی فعل فارسی در چارچوب نظریه ظرفیت پرداخته‌اند اکثراً به زبان آلمانی نگاشته شده است. طیب‌زاده تنها سه مورد اول زیر را به تفصیل معرفی می‌کند. وی به مقاله حیدرپور (۱۳۸۳) تنها اشاره‌ای می‌کند، ولی توضیحی درباره آن نمی‌دهد. موردهای ۴ و ۵ نیز که در ادامه می‌آید در این کتاب ذکر نشده است.

۱. پایان‌نامه سیامک مهاجر قمی، با عنوان بررسی مقابله‌ای ساخت جمله در آلمانی و

فارسی:

*Eine Kontrastive Untersuchung der Satzbaupläne in Deutschen und Persischen*

رساله سیامک مهاجر قمی اولین اثری است که افعال فارسی را بر اساس نظریه ظرفیت واژگانی بررسی کرده است. این تحقیق بر اساس چارچوب انگل و شوماخر (ENGL & SCHUMACHER 1975) است. این رساله یک بررسی تطبیقی به شمار می‌رود که نویسنده آن سعی کرده است متمم‌های نحوی فارسی و آلمانی را استخراج کند و باهم مقایسه نماید. مهاجر بر این اساس، هم برای آلمانی و هم فارسی، به وجود ۱۰ متمم نحوی مشابه قائل می‌شود. البته این تحلیل صحیح نیست، چون در فارسی، برخلاف آلمانی، «حالت» نقش زیادی ایفا نمی‌کند. ویژگی اثر مهاجر در این است که وی به بررسی متمم‌های معنایی نیز پرداخته است.

۲. اثر دوم مورد بررسی، مقاله طیب‌زاده (۱۳۸۰) در مجله زبان‌شناسی است. این مقاله در حقیقت چکیده رساله منتشر نشده دکتری وی در دانشگاه مونیخ است که بر اساس چارچوب هلیک و شنکل (Helbig and Schenkel 1991) نگاشته شده است. طیب‌زاده در این تحقیق از پیکره‌ای با حدود ۱۲۰۰ فعل فارسی استفاده کرده است و بر این اساس به وجود ۱۱ متمم نحوی و فهرستی متشکل از ۳۷ ساخت بنیادین برای زبان فارسی قائل شده است. وی با جرح و تعدیل نظرات خود، متمم‌های نحوی را از ۱۱ به ۸ متمم تقلیل داده است و عقیده متفاوتی را نیز در مورد ساخت بنیادین جمله در زبان فارسی اظهار داشته است.

۳. کتاب شهرام احدی با عنوان متمم‌های فعل و افعال مرکب در زبان فارسی:<sup>۱</sup>*Verbergänzungen und zusammengesetzte Verben im Persischen*

کتاب اخیر درحقیقت رسالهٔ دکتری شهرام احدی است که در گروه ایران‌شناسی بامبرگ آلمان، به راهنمایی پروفسور برت فراگنر در سال ۲۰۰۰ دفاع شده است. هدف احدی استخراج و طبقه‌بندی نظام‌مند متمم‌های فعل فارسی بر اساس دستور وابستگی بوده است. پیکرهٔ زبانی مورد استفادهٔ وی مستخرج از ادبیات معاصر و روزنامهٔ همشهری است و شامل ۷۲۲ فعل مرکب و ۸۵۰ شاهد می‌شود. علاوه بر این، از ۲۷۰۰ فعل مرکب دیگر نیز که از آثار مختلف جمع‌آوری شده، برای نگارش رسالهٔ فوق استفاده شده است. این رساله بر اساس چارچوب نظری انگل (ENGL 1994, 1996) نوشته شده است. احدی به پیروی از انگل (ENGL 1996: 862) از ضمیرگذاری برای تعیین متمم‌های فارسی استفاده کرده است. دو آزمون مهم او برای استخراج متمم‌ها اجباری بودن (Obligatheitstest) و زیرطبقه (Subklassentest) است (Ahadi 2001: 25) و او از این رهگذر مانند زبان آلمانی بین ۱۱ نوع متمم مختلف تمایز قائل می‌شود:

۱. فاعل؛ ۲. متمم مستقیم؛ ۳. متمم جریب‌اضافه‌ای؛ ۴. متمم اضافه؛ ۵. متمم پس‌اضافه‌ای (اضافهٔ ر)؛ ۶. متمم پی‌چسب؛ ۷. متمم مکانی؛ ۸. متمم بسطی (expansiv Ergänzung)؛ ۹. متمم اسمی؛ ۱۰. متمم صفتی؛ ۱۱. متمم فعلی.

به نظر نگارنده، ضمیرگذاری به هیچ‌وجه روش قابل اعتمادی برای شناخت طبقات مختلف متمم‌های فارسی نیست، زیرا گاهی به جای متمم‌های مختلف می‌توان ضمائر مشابهی قرار داد؛ علاوه بر این، با این روش، تمایز قائل شدن میان متمم و افزوده نیز مشکل خواهد بود (برای مثال‌ها و توضیحات بیشتر ر.ک: نغزگوی کهن ۱۳۸۱: ۱۴۸، مذکور در پانویست همین صفحه). نکتهٔ مهم قابل ذکر دیگر این است که احدی (Ahadi 2001: 103) و طیب‌زاده (ص ۱۳۱). هم‌زمان، مستقلاً و بدون اطلاع از کار یکدیگر، برای اولین بار متوجه وجود متمم اضافه‌ای (یا مفعول نشانهٔ اضافه‌ای) شده‌اند.

۱. نگارندهٔ این سطور قبلاً کتاب شهرام احدی را در مجلهٔ پژوهش‌های ایران‌شناختی ۲۰۰۲/۱۳۸۱ به زبان آلمانی معرفی کرده است:

۴. پایان‌نامه کارشناسی ارشد لغیا کبیری، با عنوان فرهنگ ظرفیت افعال فارسی (۱۳۸۵)، دانشگاه بوعلی) به راهنمایی دکتر طیب‌زاده. همان‌طور که طیب‌زاده اظهار می‌دارد (ص ۲۱) کتاب ظرفیت فعل در مقام مقدمه‌ای است برای نگارش فرهنگ ظرفیت فعل. رساله کارشناسی ارشد خانم لغیا کبیری در حقیقت نشان‌دهنده شروع شدن عملی این کار توسط نویسنده و دانشجویان وی است.
۵. پایان‌نامه کارشناسی ارشد نادر حقانی (۱۹۹۶)، با عنوان افعال پرسیامد در آلمانی و فارسی بر اساس نظریه ظرفیت:

Hochfrequente Verben im Deutschen und Persischen auf der Grundlage der Valenztheorie

مشخصه‌ای که کتاب طیب‌زاده را از اکثر موارد فوق متمایز می‌کند این است که بیشتر نویسندگان، بسیار تحت تأثیر زبان آلمانی و توصیفاتش که برای آن زبان ارائه شده است قرار داشته‌اند و ساخت زبان فارسی را در بعضی موارد (چون تعداد و نوع متمم‌ها) مانند زبان آلمانی انگاشته‌اند.

فصل سوم کتاب به فعل اختصاص دارد. تعریف‌هایی که به‌طور سنتی از فعل ارائه می‌شود بیشتر ناظر بر خصوصیات صرفی و معنایی آن است، ولی در این فصل، فعل در مقام مقوله اساسی جمله (یعنی مقوله‌ای نحوی) مورد مطالعه قرار گرفته و انواع آن از لحاظ ساختاری مشخص شده است. بدین منظور، افعال از حیث متمم‌پذیری‌شان به دو دسته افعال معین و غیرمعین تقسیم شده‌اند. طیب‌زاده به تفکیک ویژگی، هر دسته را شرح داده و برای هر یک مثال‌هایی آورده است.

در فصل چهارم متمم‌های فعل در فارسی به دست داده شده است. بر این اساس، هشت متمم برای فارسی در نظر گرفته شده است که عبارت‌اند از: فاعل، مفعول، مفعول حرفی‌اضافه‌ای، مفعول نشانه‌اضافه‌ای، بند متمم، مسند، تمیز و متمم قیدی. ویژگی‌های کاربردی هر یک از این متمم‌ها با مثال در این فصل بازنموده شده است. از نکات مهم این فصل راه‌های تشخیص این متمم‌ها از یکدیگر و مسئله تمایز قائل شدن میان متمم‌های اختیاری و قیده‌است.

در فصل پنجم جمله‌های بدون فعل بررسی شده است. به این منظور، جمله‌های اسمی، شبه‌جمله‌ها و اصوات، در مقام جمله‌های بدون فعل توصیف شده‌اند و با توجه به شواهد، برای هر یک متمم‌هایی در نظر گرفته شده است.

فصل ششم در مورد ساخت‌های ظرفیتی فعل است. پیش‌نیاز استخراج ساخت‌های بنیادین جمله، پرداختن به ساخت‌های ظرفیتی فعل است. ساخت ظرفیتی فعل انگاره‌ای انتزاعی و گاه پیچیده است که نشان می‌دهد یک فعل با چه نوع و چه تعداد متمم؛ و در چه جملاتی ظاهر می‌شود (ص: ۲۰۰).. ساخت ظرفیتی هر فعل در واژگان نمایش داده می‌شود. در این فصل، با مثال‌هایی، تفاوت‌های ساخت ظرفیتی فعل و ساخت بنیادین جمله که دارای انتزاع کمتری می‌باشد بازنموده شده است:

در فصل مهم هفتم، ساخت‌های بنیادین جمله به دست داده شده است. منظور از ساخت‌های بنیادین همان فعل مرکزی جمله به علاوه متمم‌های اجباری و اختیاری آن است (۱۳)؛ یعنی فعل است که نقش اساسی و اولیه را برای تعیین ساختار بنیادین جمله ایفا می‌کند. به نظر طبیب‌زاده، جملات فارسی بر اساس ساخت بنیادینشان در چهار گروه تک ظرفیتی تا چهار ظرفیتی (یعنی یک متمم تا چهار متمم) جای می‌گیرند. ظاهراً این اولین باری نیست که ساخت‌های بنیادین جملات برای زبان فارسی استخراج شده است (ر.ک: محمودآف ۱۳۶۵).

در فصل پایانی ۲۰۰ جمله از ۱۰ نویسنده معاصر ایرانی به طور تضادفی انتخاب شده و برای استخراج ساخت‌های بنیادین آنها، مورد تحلیل قرار گرفته است. تنها ۱۳ ساخت از ۲۳ ساخت بنیادین در نظر گرفته شده در فارسی در این ۲۰۰ جمله یافت شده است. این امر نشان می‌دهد که بعضی ساخت‌های بنیادین در فارسی بسامد وقوع بالایی دارند و بعضی دیگر بسیار کم کاربرد هستند. طبیب‌زاده بر آن است که دو ساخت زیر، از جمله پرکاربردترین ساخت‌های بنیادین هستند:

|| فاعل، مسند ||

|| فاعل، مفعول ||

در ۲۰۰ جمله مورد بررسی نیز این دو ساخت بیشترین بسامد وقوع را داشته‌اند و به ترتیب ۶۳ و ۴۴ بار مورد استفاده قرار گرفته‌اند. البته در سبک‌های مختلف، بسامد وقوع هریک از ساخت‌های بنیادین تغییر می‌کند. به باور نگارنده بهتر است در این زمینه مطالعه بیشتری صورت بگیرد. این موضوع در زبان‌شناسی اجتماعی حائز اهمیت است.

کاربردهای عملی این کتاب و ارائه چند پیشنهاد  
 فواید عملی این کتاب فراوان است. از یافته‌های این تحقیق می‌توان در امر آموزش زبان  
 فارسی به غیرفارسی‌زبانان و نگارش متون درسی برای آنان، فرهنگ‌نگاری و پردازش  
 زبانی استفاده کرد. یکی از مشخصه‌های کتاب‌های درسی وجود جشو و تکرار عمدی  
 مطالب است. این امر در کتاب ظرفیت فعل بسیار بارز است. از آنجا که اصطلاحات و  
 توضیحات نیز با زبانی بسیار ساده و روان به دست داده شده است، کتاب حاضر با  
 تغییراتی جزئی می‌تواند به عنوان متن درسی برای آموزش ساخت دستوری زبان فارسی  
 مورد استفاده قرار بگیرد. به نظر نگارنده، بهتر است تغییرات زیر در این کتاب صورت  
 پذیرد:

۱. اضافه کردن تمرین‌های مقتضی به هر فصل؛
  ۲. مشخص کردن اصطلاحات فنی جدید به صورت کج‌نویسی شده یا با حروف  
 پررنگ‌تر؛
  ۳. اضافه کردن واژه‌نامه توصیفی به صورت ضمیمه به انتهای کتاب؛
  ۴. افزودن واژه‌نامه فارسی به انگلیسی / آلمانی به آخر کتاب؛
  ۵. اضافه کردن فهرست اختصارات به آغاز کتاب.
- در پایان برای نویسنده پرکار و سخت‌کوش این کتاب آرزوی موفقیت می‌کنم.

### منابع

- حیدرپور، همینه (۱۳۸۳)، «شیوه‌های تغییر ظرفیت فعل در زبان فارسی»، مجموعه مقاله‌های ششمین کنفرانس  
 زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ص ۱۲۱-۱۳۲؛  
 طبیب‌زاده، امید (۱۳۸۰)، «تحلیل وابسته‌های نحوی فعل در زبان فارسی بر اساس نظریه واژگانی»، مجله  
 زبان‌شناسی، س ۱۶، ش ۱، پیاپی ۳۱، ص ۴۳-۷۷؛  
 کبیری، لعیا (۱۳۸۵)، فرهنگ ظرفیت افعال فارسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان؛  
 محموداف، حسن (۱۳۶۵)، «ترتیب توالی کلمات در جملات ساده دوترکیبی فارسی»، مجله زبان‌شناسی، س  
 ۳، ش ۱، پیاپی ۵، ۵۳-۶۶؛  
 Ahadi, Shahrām (2001), *Verbergänzungen und zusammengesetzte Verben im Persischen*, Wiesbaden,  
 Reichert Verlag;  
 Engel, Ulrich (1994), *Syntax der deutschen Gegenwartssprache 3*, völlig neu bearbeitete Auflage,  
 Berlin, Erich Schmidt (1997);  
 \_\_\_\_\_ (1996), *Deutsche Grammatik 3*, verbesserte Auflage, Heidelberg, Julius Gross;



- \_\_\_\_\_ (2002). *Kurze Grammatik der deutschen Sprache*, München, Iudicium Verlag;
- ENGEL, U. und SCHUMACHER (1975), *Kleines Valenzlexikon deutscher Verben*, Tübingen, Narr;
- HAGHANI, Nader (1996), *Hochfrequente Verben im Deutschen und Persischen auf der Grundlage der Valenztheorie*, Magisterarbeit, Universität Bielefeld;
- Helbig, G. und Schenkel, W. (1991), *Wörterbuch zur Valenz und Distribution Deutscher Verben*, Tübingen, Max Niemeyer Verlag;
- MOHADJER, Siamak (1978), *Eine Kontrastive Untersuchung der Satzbaupläne in Deutschen und Persischen*, Freiburg, Burg-Verlag.

